

تغییرات فرهنگی در ایران معاصر: پدیده جوانی و گذران اوقات فراغت^۱

این مقاله به بررسی تغییرات اجتماعی از جمله تغییرات به وجود آمده در بازتعریف هویت و «خود» طی دهه ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ شمسی در ایران می‌پردازد و در سطح خرد نشان می‌دهد که چگونه تغییرات قدرت در خانواده ایرانی بر نحوه کنترل والدین بر رفتارهای جوانان به خصوص در حوزه گذران اوقات فراغت تأثیر گذاشته است. اینکه خانواده ایرانی برای استمرار کنترل خود بر رفتار جوانان، تمهیدات خاص خود را برآورده است. در جمله آنکه قدرت تصمیم‌گیری به تدریج در میان همه اعضای خانواده به خصوص مادران و دختران توزیع شده است. همچنین نتایج آماری تحقیق نشان می‌دهند در حالی که خانواده جدید ایرانی در برخی موارد نظیر انجام فعالیت هنری ضامن می‌کند، اما در موارد دیگری از جمله سبزی کردن اوقات فراغت در بیرون از شهر و نیز در جمع دوستان موافقت کمتری از خود نشان می‌دهد. این نتایج گویای آن است که روابط اخلاقی و هنجاری خانواده ایرانی در حال ساختارهایی مجدد است.

این مطالعه بین سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۳ در شهر تهران و بر روی ۱۲۰۰ نمونه - بدون محدودیت سنی - پیمایش شد که بخشی از نتایج آن در این مقاله با بکارگیری رویکرد «روابط ترکیبی شیوه‌های فرهنگی» ارائه می‌گردد.

واژگان کلیدی: روابط ترکیبی، توزیع قدرت در خانواده، اوقات فراغت، خود، جوانی

حمید عبداللهمان

دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

habdollah@ut.ac.ir



ژورنال مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

در این نوشته، دیدگاه‌ها و نظرات شایع در میان مردم دربارهٔ چگونگی گذران اوقات فراغت - که یک عنصر فرهنگی در حال تغییر تلقی می‌شود - بررسی می‌گردد. هدف از این تحلیل آن است که به راهکارهای احتمالی یکی از مسائل جاری جامعهٔ ایرانی یعنی بی‌هنجاری‌های موجود در کنش‌های اجتماعی و هویتی جوانان که در رفتار فراغتی آنها مشهود است و سبب شده تا در برخی موارد به پدیده‌های آسیب‌شناختی مبدل شود، نزدیک شویم. اینکه چگونه انتقال جوانان از دورهٔ جوانی به دورهٔ میانسالی از طریق فهم نیازهای آنان و فراهم کردن این نیازها تسهیل می‌شود، نیز از جمله پرسش‌هایی است که این نوشته در پی پاسخگویی مناسب به آن است.

مدل نظری: مفهوم سازی شکاف نسل‌ها و شکاف ایده‌آل‌های دو جنس

در این پژوهش از مدل نظری «روابط ترکیبی شیوه‌های فرهنگی» استفاده شده که در مورد جزئیات آن، پیش از این در جای دیگری بحث شده است. (عبداللهیان، ۱۳۷۸). اما از سال ۱۳۷۸ تا کنون تغییراتی در جزئیات این نظریه افزوده شده که در زیر به آنها اشاره می‌گردد.

نظریه روابط ترکیبی قبلاً بر نحوه ترکیب و نحوه استمرار رابطه ترکیبی میان شیوه‌های فرهنگی نسل‌ها (جوان، میانسال و کهنسال) و یا دو جنس تأکید داشت. منظور از رابطه ترکیبی شیوه‌های فرهنگی نیز این است که معمولاً در هر دوره از تاریخ معاصر، یکی از شیوه‌های زندگی غالب می‌شود، اما این بدان معنا نیست که شیوه‌های سنتی را به کنار می‌گذارد، بلکه شیوه‌های غالب از عناصر شیوه سنتی نیز برای ارتقا و استمرار خود استفاده می‌کنند. در این رابطه، آن طور که قبلاً در مقاله سال ۱۳۷۸ نشان داده شد، عنصر عقلانیت به عنوان «عنصر از پیش موجود در کنش‌های جمعی انسانی» نقش خود را بازی می‌کرد، در حالی که این عنصر - همان طور که داده‌های تحقیق نشان دادند (نگاه کنید به عبداللهیان، ۱۳۸۳ ب) - باید قبل از ملاحظه کنش‌های جمعی مورد توجه قرار گیرد. بنابراین اگر بخواهیم پاسخگوی آن باشیم که چرا نسل‌های جدید متفاوت از نسل‌های قدیمی به مسائلی نظیر ارزش‌های خانوادگی و دینی و نحوه گذران اوقات فراغت نگاه می‌کنند، ابتدا باید ببینیم که آنها چگونه درباره این ارزش‌ها می‌اندیشند.

بنابراین، قضایای نظری موجود در مدل نظری مطالعه شکاف میان ایده‌آل‌های دو جنس بر پیش‌فرض‌های زیر استوار است:

- ۱- جامعه جدید ایران در حال تولید ارزش‌های فرهنگی گوناگون درباره موارد فرهنگی متعددی از جمله: خانواده، دین، اوقات فراغت جوانان و ... است و مبنای این تفاوت در تولید ارزش، در عنصر عقلانیتی نهفته است که بر اساس جنس و جوانی یا کهنسالی شکل می‌گیرد و تغییر می‌کند. اما چرا فهم این مسئله مهم است؟ اول آنکه متغیرهایی نظیر جنس و سن در شکل‌گیری‌های اجتماعی نمی‌توانند ماهیتاً ریشه اقتصادی داشته باشند و تبیین تغییرات فرهنگی - اجتماعی باید بر اساس متغیر فرهنگی انجام شود. دوم آنکه تغییرات آینده در ایران آن طور که گرایش‌های موجود تا سال ۱۳۸۷ نشان می‌دهند، مبنای فرهنگی خواهد داشت.
- ۲- ارزش‌های کلان (تعارضات نسلی، آداب ازدواج، فرائض دینی، آموزش عالی، تنوع و کارکردهای گذران اوقات فراغت جوانان) در فرآیند تغییر فرهنگی بیشتر در معرض تغییر قرار می‌گیرند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۲؛ عبداللهیان، ۱۳۸۳ الف) تا ارزش‌های خرد نظیر ادب، غذا، نوع و رنگ لباس و روابط خرد اجتماعی؛ بدین معنا که تغییرات فرهنگی به تغییرات اجتماعی مربوطاند و حتی سبب بروز تغییرات اجتماعی کلان می‌شوند. از طرف دیگر، این

نکته بیانگر این مهم است که نباید فقدان و یا کندی در تغییر ارزش‌های خرد را به منزله ثبات فرهنگی - اجتماعی قلمداد کرد.

۳- بنابراین به جای توجه به عناصر غیر ملموس (non-factual) نظیر روابط اقتصادی که در گذشته مبنای تحلیل‌های اجتماعی و نظریه پردازی قرار می‌گرفت، اینک باید به عناصر ملموس (factual elements) رفتاری که از جنس سبک زندگی و ارزش فرهنگی‌اند توجه کرد؛ به این معنا که فرد یا افرادی که حامل ارزش‌ها و اجراکننده آنها هستند، باید در تبیین شرایط اجتماعی نوین مبنای تحلیل قرار گیرند - همان نکته‌ای که پارادایم ساختارگرایی در جامعه‌شناسی مدرنیته از آن غافل بود و مهم‌ترین چالش واضعان پارادایمی‌اش نیز این بود که فرد را در تسخیر هنجارهای ساختاری ملی و جهانی ببینند. (نگاه کنید به پارسونز در لمرت، ۱۹۹۹) اینجاست که بار دیگر عنصر عقلانیت و مبنای فردی آن اهمیت خود را نشان می‌دهد؛ به گونه‌ای که توجه به ساختارها (ساختار قدرت اقتصادی و...) به دلیل انتزاعی بودنشان نمی‌تواند مبنای شناخت سوژه‌های اجتماعی که در تولد و تغییر ساختارها دخالت دارند، قرار گیرد - در حالی که توجه به ایزه‌های عمل‌کننده و حامل معنا (مثل افراد) بیشتر به شناخت از عناصر اجتماعی کمک می‌کند.

۴- به همین دلیل برای یافتن علل بروز تغییرات اجتماعی باید از صفاتی که مستقیماً به افراد مربوط می‌شود مثل سن و جنس استفاده کرد. به عبارت دیگر، مبنای تولید دانش درباره تغییرات نوین در ایران، برقراری ارتباط و کنش عقلانی با سوژه‌های تحقیق در دنیای واقعی (factual life-world) آنهاست؛ یعنی دنیای فرهنگی آنها و جلوه‌های ملموس آن و بر اساس سن و جنس آنها. البته شرایط و روابط اقتصادی می‌توانند در این مسیر تأثیرگذار باشند، ولی قدرت تأثیرگذاری شرایط فرهنگی به علت پیوستگی ارگانیک شرایط فرهنگی با عملیت افراد، بیشتر در سطح کلان بوده و به همین دلیل فراگیرتر است.

۵- باید اضافه کرد که متغیر نسل برای فهم تغییرات مهم است، چرا که ایجادکننده تفاوت در جامعه است. همان طور که مانهایم (Mannheim, 1972)، نسکی (Lenski, 1994) و گیدنز (Giddens, 1376) اشاره می‌کنند، مبنای پیشرفت در جامعه همانا اطلاعاتی است که نسل‌ها از گذشتگان می‌گیرند و به آن ارزش‌های جدیدی اضافه می‌کنند و آن را برای انتقال به نسل‌های آتی آماده می‌نمایند. اصولاً در ایران معاصر به دلیل تولید ارزش‌های فراوان نسلی و جنسی است که تغییرات به وجود آمده سریع، فراگیر و نسبت به بسیاری جوامع به خصوص جوامع غربی بی‌نظیر است.

۶- در گذشته، چنین تصور می‌شد که همه احاد یک جامعه از یک دسته ارزش‌های مشترک

پیروی می‌کنند (نگاه کنید به ادبیات جامعه‌شناسی آمریکا در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی به خصوص ادبیات جرج هربرت مید). ولی امروزه ارزش‌ها به فراخور سن و جنس شکل می‌گیرند و از یک جامعه به جامعه‌ای دیگر تفاوت دارند. برای مثال، تحلیل جامعه ایران بر مبنای ارزش‌های مستتر کم‌رک کرده است، مگر آنکه مبانی نسلی و جنسی این ارزش‌ها تعیین شود.

۷- همان‌طور که پیش از این اشاره شد، مکانیسم اجتماعی جدیدی با عنوان «روابط ترکیبی شیوه‌های فرهنگی» شکل گرفته که کمک می‌کند تا جوامع جدید از جمله جامعه ایران، در عین تنوع ارزشی از هم نباشند. در هر دوره از تاریخ برخی از این شیوه‌ها مسلط خواهند شد، ولی به جای بیرون راندن ارزش‌های رقیب، آنها را برای تقویت ارزش‌های مسلط خود استفاده می‌کنند؛ به عنوان مثال، تسلط ارزش‌های دینی به معنای کنار گذاشتن ارزش‌های مادی و تکنولوژیک نخواهد بود، بلکه به این معناست که ارزش‌های مادی در جهت تقویت ارزش‌های دینی به کار گرفته می‌شوند. در اینجا نشان می‌دهیم که چگونه ارزش‌های جامعه ایران پیرامون نحوه گذران اوقات فراغت جوانان به شیوه ترکیبی عمل می‌کند.

۸- بر پایه قضایای نظری بالا می‌توان استنتاج کرد که جامعه جدید ایران از طریق روابط ترکیبی به استمرار و بازتولید خویش ادامه می‌دهد.

در پایان، ذکر این نکته ضروری است که مفاهیمی مثل نسل، جنس، ارزش‌های خانواده‌گی، ارزش‌های مربوط به نگرش به زندگی در میان دختران و پسران و بالاخره مفهوم ترجیحات فردی و جمعی برای اداره زندگی و گذران اوقات فراغت، مفهیمی‌اند که در این مدل نظری و در این مقاله مورد آزمایش نظری قرار می‌گیرند، اما اینکه چگونه این مفاهیم را به کار می‌بریم تا تعبیرات اجتماعی - فرهنگی در ایران را بر اساس تغییرات نسلی - جنسی تبیین کنیم، پرسشی است که پاسخ آن را در بخش روش‌شناسی ارائه می‌نماییم.

ابتدا لازم است مفهوم روابط ترکیبی را روشن کنیم و سپس بر اساس فرضیه‌ای، از مونه راه‌دایت نماییم.

مفهوم «روابط ترکیبی» به میزان اغماض افراد در روابط اجتماعی مربوط است که ما در اینجا به اغماض در میان زنان و مردان توجه کردیم و می‌توان آن را در دو نوع توجه در کنش‌های اجتماعی به شرح زیر مورد مشاهده قرار داد:

۱. توجه مردان جامعه ایرانی به آرمان‌ها و ایده‌آل‌های زنان

۲. توجه زنان جامعه ایرانی به آرمان‌ها و ایده‌آل‌های مردان

در بحث زیر، مفهوم روابط ترکیبی را که قبلاً به شکل بخشی از مفاهیم یک دستگاه نظری مورد

تجزیه و تحلیل قرار گرفت، در حوزه کنش متقابل و روابط ترکیبی میان جوانان در خانواده‌ها و در حوزه گذران اوقات فراغت عملیاتی می‌شود.

فرضیه تحقیق

امروزه نگرش‌های سنتی مبنی بر عدم توانایی زنان به انجام امور اجتماعی کلان تغییر کرده است و نهاد خانواده به سوی شورایی عمل کردن (شاخص اندازه‌گیری روابط ترکیبی شیوه‌های فرهنگی) به ویژه در تعیین هنجارهای فراغتی پسران و دختران پیش می‌رود.

یکی از حوزه‌های مورد توجه ما در اینجا نگرش‌هایی است که در مورد گذران اوقات فراغت وجود داشته و اینک در حال تغییر است. اکنون باید نشان داد که این فرضیه چگونه آزمون می‌شود.

روش‌شناسی مطالعه تغییرات فرهنگی و گذران اوقات فراغت جوانان

نتایجی که در اینجا آمده، بخشی از نتایج یک مطالعه پیمایشی در شهر تهران است که بین سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۳ با انتخاب تصادفی ۱۲۰۰ نمونه از شهر تهران و بکارگیری ۸۶ پرسش و ۱۸۶ متغیر انجام شده است و ما تنها به تحلیل متغیرهای مربوط به گذران اوقات فراغت آن پرداخته‌ایم.

این متغیرها در سه محور (با استفاده از مدل نظری روابط ترکیبی شیوه‌های فرهنگی) به کار گرفته شدند: (۱) برای تبیین مکانیسم‌های تولید ارزش (۲) برای تبیین تفاوت نسل‌ها و دو جنس (۳) برای تبیین مکانیسم نوین روابط ترکیبی شیوه‌های فرهنگی که از آن طریق دو جنس و نسل‌ها با وجود تفاوت‌های فرهنگی به انسجام اجتماعی کمک می‌کنند.

برای اندازه‌گیری تغییر نگرش‌ها نسبت به آزادی عمل دختران و پسران جوان در حوزه گذران اوقات فراغت، از دو پرسش زیر که به شکل گویه و طیف طراحی شدند استفاده شد

آزادی عمل دختران در زمینه پرکردن اوقات فراغت به نظر شما چگونه باید باشد.

اشکال دارد	محدود باشد بهتر است	بی‌اشکال هم نیست	اشکال ندارد	میزان آزادی دختران در اوقات فراغت
				رفتن به سینما به تنهایی یا به همراهی دوستان
				صرف شام به همراهی دوستان در رستوران
				سفرهای بیرون شهری به تنهایی یا به همراهی دوستان
				شرکت در کلاس‌های موسیقی
				شرکت در مهمانی‌های دوستانه

آزادی عمل پسران در زمینه پر کردن اوقات فراغت به نظر شما چگونه باید باشد.

اشکال مرد	محدود باشد بهتر است	بی اشکال نیست	اشکال نمرد	میزان آزادی پسران در اوقات فراغت
				شب را در بیرون از منزل یا دوستان سپری کند و شب را به خانه برنگردد.
				در امور تصمیم گیری خانواده دخالت کند و مانع انجام پرخر کارها توسط مادر و خواهرش شود.
				خارج از محدوده ازدواج یا دختران ارتباط دوستانه برقرار کند.
				از مشروبات الکلی و یا دخانیات استفاده کند.

یافته‌ها و تحلیل داده‌ها

برای تحلیل رویکردهای مردم به جوانان و فعالیت‌هایشان ضروری است که از منظر تحلیل «خود» آغاز کنیم. از آنجا که شکرگیری ارزش‌ها از سنین ۱۳ سالگی شروع می‌شود، نمونه‌گیری به نحوی انجام شد که طیفی تصادفی از زنان و مردان ۱۳ سال به بالا در نمونه قرار گیرند. حاصل این نمونه‌گیری نشان می‌دهد که نمونه‌ها بین سنین ۱۳ و ۸۲ ساله پراکنده‌اند. در عین حال، جالب آن است که ۶۶ درصد نمونه‌ها در سنین زیر ۳۰ سال قرار دارند که با مختصات آماری جمعیت جوان ایران کاملاً تطابق دارد. همچنین مشخصات آماری این نمونه‌ها بیانگر آن است که میانگین سنی جامعه نمونه ۲۸/۹۱ است و با میانگین سنی جمعیت ایران تقریباً تطابق دارد. ضریب تغییرپذیری سن نمونه‌ها نیز ۴۱/۶۵ درصد است که نشان دهنده تغییرپذیری سنی نمونه بر اساس معیارهای جمعیتی ایران است. همه این توصیف‌ها بیانگر آن است که آنچه در تحلیل‌های زیر می‌آید، عمدتاً به جامعه جوان ایران قابل تعمیم است.

جلوه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روانشناختی تصور از خود

برخی از متغیرهایی که در ارائه تعریف انتزاعی و عملی از «خود» دخالت دارند، در جدول شماره ۱ آورده شده و معنی‌داری رابطه این متغیرها با متغیر جنس بررسی شده است:

جدول ۱: متغیرهای دخیل در تعریف از خود و رابطه آنها با متغیر جنس

متغیر	خی دو
(۱) ارائه تعریف از کارکردن	۱۵/۶۴۰
(۲) نحوه صرف اوقات فراغت	۱۸/۲۶۶
(۳) نحوه برخورد با اهداف زندگی	بدون رابطه
(۴) ارزیابی از کارکردن	۱۸/۱۶۹
(۵) ارزیابی از ثمرات کار کردن	بدون رابطه
(۶) نحوه مصرف پول	۵۴/۳۸۹
(۷) نگرش نسبت به علم و تکنولوژی	۱۲/۳۰۱
(۸) نگرش به مشکلات زندگی	بدون رابطه
(۹) ارائه تعریف از زندگی	۲۵/۴۴۰
(۱۰) میزان اتکا به دیگران	بدون رابطه
(۱۱) رابطه قدرت و کار گروهی	۱۶/۰۸۷
(۱۲) واکنش نسبت به فیلم‌های تراژیک	۶۲/۱۴۵
(۱۳) نحوه برخورد در اختلافات	۱۹/۲۹۰
(۱۴) نگرش به دخالت دیگران در تصمیم‌گیری	بدون رابطه

آزمون‌ها نشان می‌دهند که از میان متغیرهای جدول ۱، قوی‌ترین رابطه‌ها میان متغیر جنس و ۱- نحوه مصرف پول و ۲- تأثیرپذیری از فیلم‌های تراژیک دیده می‌شود که بیانگر شکل‌پذیری متفاوت «خود» میان زنان و مردان ایرانی است. علاوه بر این، متغیر جنس در شکل دادن به ارائه تعریف از کارکردن، نحوه صرف اوقات فراغت، ارزیابی از کارکردن، نگرش به فایده‌مندی علم و فن‌آوری، ارائه تعریف از زندگی (لذت بخش بودن یا نبودن)، رابطه قدرت و کار گروهی و نحوه برخورد در اختلافات مؤثر است - این در حالی است که جنس در شکل دادن به نحوه برخورد با اهداف زندگی، ارزیابی از کارکردن، نگرش به مشکلات زندگی، میزان اتکا به دیگران و نگرش به دخالت دیگران در تصمیم‌گیری‌ها بی‌تأثیر است.

نحوه گذران اوقات فراغت (تفریحات) و نحوه ارتباط با افراد خانواده به هنگام غمگینی نیز از

حمله عوامل تعیین کننده تغییر جهت گیری خانواده‌ها در ایران است. در همین تحقیق، نشان دادیم که گروه‌های دوستی در ایران از اهمیت زیادی برخوردار شده‌اند؛ به نحوی که ۶۸ درصد مردم با روابط دوستی گسترده به ارزش‌های اجتماعی دست پیدا می‌کنند (عبداللهیان، ۱۳۸۳). در اینجا این موضوع با بکارگیری دو متغیر صرف اوقات فراغت (تفریحات) و ترجیح افراد برای انتخاب اعضای خانواده برای درد دل کردن (غمگینی) روشن تر می‌شود. اول آنکه، پدر در خانواده ایرانی به تنهایی نقش سنتی خود را در مقایسه با مادر برای انجام درد دل با فرزندان و با گذران اوقات فراغت از دست داده است (جدول شماره ۲ و ۳). دوم اینکه اساساً خانواده چه برای گذران اوقات فراغت و چه برای انجام درد دل، نقش ضعیف تری در مقایسه با دوستان و اقربا داخل خانواده در جامعه نمونه بازی می‌کند. توضیح آنکه در حالی که ۵۵ درصد از افراد با دوستان خود و یا دیگران درد دل می‌کنند، ۲ درصد آنها با پدر، ۱۵ درصد با مادر، ۷ درصد نوآمان با پدر و مادر و در مجموع ۲۴ درصد با پدر و مادر خود درد دل می‌کنند.

جدول ۲. توزیع کنش‌های فرد در ارتباط با انتقال غمگینی به اقربا خانواده یا گروه‌های دوستی

درد دل با چه کسی؟	فرلواتی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
پدر	۲۰	۱/۲	۱/۲	۱/۲
مادر	۱۷۶	۱۴/۷	۱۵/۱	۱۶/۹
پدر و مادر	۸۲	۶/۸	۷/۱	۲۳/۹
همسر	۲۴۰	۲۰/۰	۲۰/۶	۴۴/۵
دوست صمیمی	۴۷۸	۳۹/۸	۴۱/۱	۸۵/۶
دیگران	۱۶۲	۱۳/۹	۱۴/۴	۱۰۰/۰
جمع	۱۱۶۳	۹۶/۹	۱۰۰/۰	
بی جواب	۳۷	۳/۱		
جمع کل	۱۲۰۰	۱۰۰/۰		

نکته دیگر آنکه، افراد برای گذران اوقات فراغت بیش از پیش از خانواده‌ها فاصله می‌گیرند و به سایر منابع روی می‌آورند مثلاً در حالی که ۲۰ درصد از افراد وقت خود را برای گذران اوقات فراغت با اعضای خانواده صرف می‌کنند، ۵۰ درصد از افراد با دوستان خود و یا دیگران به تفریح می‌روند (جدول ۳).

جدول ۳: توزیع کنش‌های افراد در ارتباط با نحوه صرف اوقات فراغت با افراد خانواده یا گروه‌های دوستی

نحوه گذران اوقات فراغت	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تراکمی
پدر	۷	۰/۶	۰/۶	۰/۶
مادر	۳۲	۲/۷	۲/۸	۳/۴
پدر و مادر	۱۸۷	۱۵/۶	۱۶/۳	۱۹/۵
همسر	۳۵۵	۲۹/۶	۳۰/۷	۵۰/۲
دوستان	۴۵۹	۳۸/۳	۳۹/۷	۸۹/۹
دیگران	۱۱۷	۹/۸	۱۰/۱	۱۰۰/۰
جمع	۱۱۵۷	۹۶/۴	۱۰۰/۰	
بی‌جواب	۴۳	۳/۶		
جمع کل	۱۲۰۰	۱۰۰/۰		

حاصل آنکه در حال حاضر، واحد خانواده در مقایسه با گروه‌های دوستی جایگاه پایین‌تر و اهمیت کمتری در دو حوزه خصوصی گذران اوقات فراغت و در میان گذاشتن درد دل دارد. حتی در میان افراد متأهل نیز با اینکه ۶۴ درصد از افراد متأهل اوقات فراغت را با همسر و فرزندان می‌گذرانند، تنها ۴۳ درصد آنها با همسر خود درد دل می‌کنند.

جدول ۴: آزمون خی‌دو برای تعیین رابطه معنی‌داری میان متغیر گذران اوقات فراغت و متغیر درد دل به تفکیک زن و مرد

جنس	نوع آزمون	مقدار خی‌دو	درجه آزادی	سطح معنی‌داری نامنتظران
مرد	خی‌دو پیرسون	۳۵۵/۷۰۰	۲۵	۰/۰۰۰
	کسر همسانی	۳۰۰/۸۸۶	۲۵	۰/۰۰۰
	فراوانی‌های معتبر	۵۲۳		
زن	خی‌دو پیرسون	۲۴۴/۹۶۸	۲۵	۰/۰۰۰
	کسر همسانی	۲۲۲/۱۲۸	۲۵	۰/۰۰۰
	فراوانی‌های معتبر	۶۰۲		

نکنه دیگر آنکه شیوه تفریح و اظهار نرد دل در میان دو جنس متفاوت است، علاوه بر آنکه تفریح کردن و درد دل کردن به هم پیوسته‌اند؛ به این معنی که کسانی که دوستان خود را برای درد دل انتخاب می‌کنند، آنها را برای انجام تفریح نیز انتخاب می‌کنند. نتیجه ازمن خبی دو شان می‌دهد که این دو متغیر در میان مردان بیشتر به هم مربوطند. (جدول ۴) نتیجه کرامرز V نشان می‌دهد که قدرت همبستگی میان انتخاب افراد برای گذران اوقات فراغت و درد در میان زنان ۰/۲۸۵ (از ۱) است و در میان مردان ۰/۳۶۹ است. این به این معناست که رابطه این دو متغیر در میان مردان قوی‌تر است. همچنین، نتیجه لامبدا برای مردان ۰/۲۷۳ و برای زنان ۰/۲۴۹ است که نشان می‌دهد با دانستن اینکه مردان با چه کسی به تفریح می‌روند، قادر خواهیم بود تا در ۲۷ درصد موارد درست پیشگویی کنیم که آنها چه کسی (دوستانشان) را برای درد دل خود انتخاب می‌کنند. این رقم برای زنان ۲۵ درصد است.

نتیجه آنکه می‌توان ادعا کرد که نهاد خانواده با ورود گروه‌های دوستی از اهمیت کمتری برخوردار شده است و زنان در این میان تأثیر بیشتری در ایجاد تغییرات داشته‌اند. این یافته نتیجه‌گیری قبلی درباره جریانات شورشی شدن کنش‌های متقابل در ایران را تأیید می‌کند، چرا که به همراه تغییر جهت قدرت از پدر به مادر و سایر اعضای خانواده، گروه‌های دوستی، بسیاری از کارکردهای سنتی خانواده، از جمله حمایت‌های عاطفی را در دست گرفته‌اند. همچنین این گروه‌ها از تباطؤ خانواده (محیطی بسته) را با جامعه (محیطی باز) برقرار کرده‌اند؛ جایی که تمایلات دموکراتیک موجود در خانواده در آن متبلور می‌شود.

همه آنچه در بالا آمد بیانگر این واقعیت است که جوانان برای ساختن و تعریف «خود» و یافتن عناصر هویتی خویش به عناصر بیرون از خانواده (برداشت لاکان) بیشتر از عناصر درون خانواده تکیه می‌کنند. اثر چنین تغییر جهت را در برداشت افراد از نحوه گذران اوقات فراغت جوانان در بحث بعد بی می‌گیریم.

حال که تغییرات «خود» را همچون برداشت لاکان (روزنامه ایران، ۱۹ شهریور ۱۳۸۳) به عنوان پدیده‌ای تحت تأثیر شرایط و روابط اجتماعی مورد ارزیابی قرار دادیم، به تغییرات زمانه و اطف آن با نگرش‌های جوانان به گذران اوقات فراغت می‌پردازیم.

انعکاس درک تغییرات زمانه در میزان پذیرش اجتماعی زنان برای گذران اوقات فراغت

یکی از وجوه انعکاس تغییرات زمانه، در میزان بدیرش فعالیت‌های زنان در جامعه از جمله پذیرش انجام فعالیت‌های گوناگون اجتماعی ظنیر گذران اوقات فراغت نهفته است. در گذشته یعنی دهه ۱۳۵۰ شمسی، گذران اوقات فراغت از طریق مکنیسم‌های درونی خانواده ایرانی صورت می‌گرفت و در خانواده تعیین می‌شد که چه نوع فعالیت فرانتی برای دختران مناسب است؛ اما با توجه به رشد

فردگرایی و شکل‌گیری روابط ترکیبی، شیوه‌های فرهنگی، (عبداللهیان، ۱۳۸۳ ب) انتخاب نوع و نحوه گذران اوقات فراغت نیز در دوران جدید قاعداً باید با توجه به مکانیسم‌های بیرونی خانواده از جمله در گروه دوستان و همالان صورت پذیرد این بحث نظری را ابتدا در سنجش نگرش دو جنس به آزادی عمل دختران در گذران اوقات فراغت ارزیابی می‌کنیم و سپس انعطاف‌پذیری جامعه را درباره آزادی عمل پسران در گذران اوقات فراغت و سایر فعالیت‌هایشان در بحث بعد بررسی می‌کنیم.

سنجه‌های گذران اوقات فراغت به گونه‌ای انتخاب شدند که پاسخگویان میزان وابستگی خود را به نگرش‌های سنتی و یا مدرن منعکس کنند. در جامعه سنتی نگرشی منفی از طرف خانواده به ویژه توسط مردان درباره تمایل دختران برای رفتن به سینما به تنهایی و به خصوص همراه دوستان وجود داشته است، اما اکنون این نگرش‌ها تعدیل شده است؛ اگرچه میزان مخالفت با این گونه آزادی‌ها برای دختران هنوز هم نسبتاً بالاست. آزمون خی‌دو نشان می‌دهد که متغیر جنس در موافقت یا مخالفت مطلق با رفتن دختران به سینما تأثیر دارد، ولی در جهت‌گیری‌های نسبی افراد تأثیر ندارد و احتمالاً متغیرهای دیگری در موافقت یا مخالفت نسبی با این نحوه از گذران اوقات فراغت توسط دختران تأثیر دارد.

در مجموع ۴۹ درصد از مردم معتقدند گذران اوقات فراغت دختران با رفتن به سینما با گروه دوستان اشکالی ندارد که ۵۶ درصد از این افراد را زنان و ۴۴ درصد را مردان تشکیل می‌دهند، از سوی دیگر، ۱۶ درصد با این نوع از گذران اوقات فراغت دختران مخالفاند که ۵۳ درصد از آنان مرد و ۴۷ درصد زن می‌باشند. (جدول ۵)

بنابراین در میان کسانی که با سینما رفتن جمعی دختران موافق یا مخالفاند، متغیر جنس دخالت دارد، اما گروه سوم را ۱۹ درصد از پاسخگویان تشکیل می‌دهند که معتقدند این نوع گذران اوقات فراغت در سینما برای دختران بی‌اشکال هم نیست و در این گروه ۵۱ درصد زن و ۴۹ درصد مرد قرار دارد. سرانجام، گروه چهارم معتقد است که این نوع گذران اوقات فراغت بهتر است محدود باشد. این گروه شامل ۱۶ درصد از پاسخگویان است که ۵۶ درصد از آنان را زنان و ۴۴ درصد را زنان تشکیل می‌دهند.

جدول ۵: توزیع نگرش دو جنس درباره آزادی عمل دختران در پر کردن اوقات فراغت (رفتن به سینما به تنهایی یا با دوستان)

جمع	جنس		فراوانی و درصد	نگرش در پر کردن اوقات فراغت دختران با رفتن به سینما
	زن	مرد		
۵۷۸	۳۲۲	۲۵۶	فراوانی	اشکال ندارد
٪۱۰۰/۰	٪۵۶/۱	٪۴۲/۹	درصد در نوع نگرش	
٪۴۸/۹	٪۵۰/۹	٪۴۶/۵	درصد در متغیر جنس	
۲۲۸	۱۱۷	۱۱۱	فراوانی	بی اشکال هم نیست
٪۱۰۰/۰	٪۵۱/۳	٪۴۸/۷	درصد در نوع نگرش	
٪۱۹/۳	٪۱۸/۴	٪۲۰/۳	درصد در متغیر جنس	
۱۹۲	۱۰۹	۸۵	فراوانی	محدود باشد بهتر است
٪۱۰۰/۰	٪۵۶/۳	٪۴۳/۸	درصد در نوع نگرش	
٪۱۶/۴	٪۱۷/۱	٪۱۵/۶	درصد در متغیر جنس	
۱۸۳	۸۷	۹۶	فراوانی	اشکال دارد
٪۱۰۰/۰	٪۴۷/۵	٪۵۲/۵	درصد در نوع نگرش	
٪۱۵/۵	٪۱۳/۷	٪۱۷/۶	درصد در متغیر جنس	
۱۱۸۳	۶۳۷	۵۴۶	فراوانی	جمع
٪۱۰۰/۰	٪۵۳/۸	٪۴۶/۲	درصد در نوع نگرش	
٪۱۰۰/۰	٪۱۰۰/۰	٪۱۰۰/۰	درصد در متغیر جنس	

با دخالت دادن آزمون‌های دیگر متوجه شدیم که عامل نسل (جوان یا پیر بودن) و تأهل، در میزان موافقت با این نوع گذران اوقات فراغت تأثیر دارد. مثلاً ۵۵ درصد از گروه سنی ۱۳ تا ۲۹ سال، ۴۰ درصد از گروه سنی ۳۰ تا ۴۶ ساله و ۳۶ درصد از گروه سنی ۴۷ تا ۸۲ ساله با این نحوه گذران اوقات فراغت دختران موافق‌اند. زنان با این مسئله موافق‌تر و افراد متأهل نیز بیشتر موافق‌اند که باید نظارت‌هایی در این نوع گذران اوقات فراغت وجود داشته باشد در نتیجه باید گفت جهت‌گیری سنتی یا مدرن جامعه از متغیر نسل و وضعیت تأهل، تأثیر می‌پذیرد و متغیر جنس تأثیری ندارد. در عین حال باید متذکر شد که زنان نسل جوان کماکان جهت تغییرات را پی می‌گیرند و بیش از زنان نسل‌های گذشته در این نوع فعالیت‌ها احساس آزادی می‌کنند. اکنون در بسیاری از خانواده‌ها جهت‌گیری نسل‌های جدید دختران عامل مناقشه‌های میان دختران و اعضای خانواده‌هاست، اما از طریق مقایسه انواع روش‌ها برای گذران اوقات فراغت

(نظیر رستوران رفتن) می‌توان جهت‌گیری‌های جامعه را بهتر دریافت.

چنین تصور می‌شود که رفتن به رستوران احتمالاً نگرشی مثبت‌تر در خانواده‌ها ایجاد می‌کند و این نوع گذران اوقات فراغت کمتر با مخالفت خانواده‌ها مواجه است، اما مقایسه آمارها نشان می‌دهد که چنین نیست و افراد با رفتن دختران به رستوران مخالف‌ترند. در اینجا نیز متغیر جنس در اظهار نظرهای مطلق (رستوران رفتن اشکال دارد یا اشکال ندارد) تأثیر دارد، اما تأثیر آن کمتر از تأثیری است که در مورد سینما رفتن دیده می‌شد - متغیر وضعیت تاهل و متغیر نسل در اظهار نظر در این زمینه تأثیر دارد.

جدول ۶: توزیع نگرش دو جنس درباره آزادی عمل دختران در پرکردن اوقات فراغت (صرف شام به همراهی دوستان در یک رستوران)

جمع	جنس		فراوانی و درصد	صرف شام دختران در رستوران به همراه دوستان	نوع واکنش جمعی
	زن	مرد			
۵۱۷	۲۹۶	۲۲۱	فراوانی	اشکال ندارد	نوع واکنش جمعی
%۱۰۰/۰	%۵۷/۳	%۴۲/۷	درصد در نوع نگرش		
%۴۳/۹	%۴۶/۵	%۴۰/۹	درصد در متغیر جنس		
۲۳۳	۱۱۸	۱۱۵	فراوانی	بی‌اشکال هم نیست	
%۱۰۰/۰	%۵۰/۶	%۴۹/۴	درصد در نوع نگرش		
%۱۹/۸	%۱۸/۶	%۲۱/۳	درصد در متغیر جنس		
۲۱۰	۱۰۸	۱۰۲	فراوانی	محدود باشد بهتر است	
%۱۰۰/۰	%۵۱/۴	%۴۸/۶	درصد در نوع نگرش		
%۱۷/۸	%۱۷/۰	%۱۸/۹	درصد در متغیر جنس		
۲۱۷	۱۱۴	۱۰۲	فراوانی	اشکال دارد	
%۱۰۰/۰	%۵۲/۵	%۴۷/۵	درصد در نوع نگرش		
%۱۸/۴	%۱۷/۹	%۱۹/۰	درصد در متغیر جنس		
۱۱۷۷	۶۳۶	۵۴۱	فراوانی	جمع	
%۱۰۰/۰	%۵۴/۰	%۴۶/۰	درصد در نوع نگرش		
%۱۰۰/۰		%۱۰۰/۰	درصد در متغیر جنس		

در مجموع ۴۴ درصد از مردم، رفتن دختران به رستوران و به همراه دوستانشان را موجه می‌دانند که نشان می‌دهد پذیرش اجتماعی این روش گذران اوقات فراغت کمتر از رفتن به سینما (۴۹ درصد) است. (جدول ۶) در میان این ۴۴ درصد از پاسخگویان که با این گونه گذران اوقات فراغت موافق‌اند، ۵۸ درصد زن و ۴۲ درصد مرد دیده می‌شود. این تفاوت نشان می‌دهد که مردان با این روش مخالف‌ترند تا رفتن دختران به سینما و درمقابل زنان این روش را بیشتر از رفتن به سینما می‌پسندند. معنای جامعه‌شناختی چنین تفاوت‌هایی در معان نظام منطقی نهفته است که از ابتدا به آن پرداخته‌ایم و آن عبارت بود از جابجایی نیروهای اجتماعی زنان با مردان و دخالت زنان در شکل‌دادن به حوزه عمومی در ایران معاصر. اصولاً فضای رستوران به دلیل گستردگی بسترهای کنش متقابل، زن سنتی را از قالب پینین خود بیرون می‌کشد و این همان سنتی است که محدوده کنش متقابل برای زن را اعضای خانواده و فامیل تعیین کرده بود. از سوی دیگر، زنان نه تنها به پردازش نظام ارزش‌های جدید اقدام می‌کنند، بلکه از طریق وارد شدن به نظام روابط ترکیبی، ارزش‌های سنتی را که مردان به آن بیشتر علاقه‌مندند، باز تولید می‌کنند و به همین دلیل، تعارض ارزش‌ها و در نهایت، تعارض جنسیتی در ایران رخ نداده است. استمرار همین روابط ترکیبی سبب بازتولید نظام اجتماعی و استمرار انسجام اجتماعی علیرغم مخالفتی شده است که ۵۶ درصد از نیروهای اجتماعی، با جهت‌گیری تغییرات اجتماعی ابراز می‌کنند. (اشکال دارد: ۱۸/۴ درصد؛ محدود باشد بهتر است: ۱۷/۸ درصد؛ بی‌شکال هم هست: ۱۹/۸ درصد) نکته دیگر آن که زنان به دلیل استمرار مسئولیت‌های سنتی خود در ارتباط با تعریف مادر ایرانی و نقشی که در رابطه با دختران دارند، نگرش‌های محافظه‌کارانه‌تری در برهه رابطه اجتماعی بی‌نظم دختران و زنان ابراز می‌کنند.

آزمون خی‌دو برای هر دو جنس نشان می‌دهد که زنان و مردان متأهل نگرشی متفاوت با دختران و پسران مجرد درباره گذران اوقات فراغت دختران در رستوران و با دوستانشان دارند. (جدول ۷)

جدول ۷: سنجش ارتباط میان وضعیت تأهل زنان و مردان و نگرش آنان نسبت به گذراندن اوقات فراغت دختران در رستوران به همراه دوستانشان

جنس	نوع آزمون	مقدار	درجه آزادی	درجه اطمینان نامتعارف
مرد	خی دو پیرسون	۱۶/۸۲۲	۳	۰/۰۰۱
	کسر همسانی	۱۶/۷۱۵	۳	۰/۰۰۱
	همبستگی خطی	۱۵/۲۱۱	۱	۰/۰۰۰
	فراوانی موارد معتبر	۵۳۸		
زن	خی دو پیرسون	۴۳/۸۶۴	۳	۰/۰۰۰
	کسر همسانی	۴۴/۸۰۳	۳	۰/۰۰۰
	همبستگی خطی	۴۲/۶۶۹	۱	۰/۰۰۰
	فراوانی موارد معتبر	۶۳۳		

در تحلیل‌های آماری متوجه شدیم که در حالی که ۴۶ درصد از مردان مجرد با این نحوه از گذران اوقات فراغت دختران موافقاند، از مردان متأهل فقط ۳۱ درصد چنین نظری دارند. از سوی دیگر، در حالی که ۵۹ درصد از دختران مجرد با این شیوه از گذران اوقات فراغت دختران موافقاند، ۳۹ درصد از زنان متأهل همین نظر را دارند. این تفاوت‌ها ادعاهای نظری بالا را تأیید می‌کنند، به خصوص که می‌بینیم حتی مردان مجرد که قاعداً باید با اجتماعی شدن دختران موافق باشند، چنین گرایشی را در حدی پایین‌تر از انتظار ابراز می‌کنند. این تمایلان را در نوع دیگری از گذران اوقات فراغت یعنی سفر به خارج از شهر به تنهایی و یا با دوستان پی می‌گیریم.

نکته مهم در اینجا آن است که سفر به خارج از شهر، علاوه بر ویژگی‌های اجتماعی رفتن به سینما و رفتن به رستوران، ویژگی دیگری نیز دارد و آن اینکه کنترل خانواده بر رفتار اجتماعی و فردی دختر بسیار پایین می‌آید.

جدول ۸: سنجش ارتباط میان وضعیت تأهل زنان و مردان و نگرش آنان نسبت به گذراندن اوقات فراغت دختران در مسافرت‌های خارج از شهر

جنس	نوع آزمون	مقدار	درجه آزادی	درجه اطمینان نامتقارن
مرد	خی دو پیرسون	۶/۸۹۸	۳	۰/۰۷۵
	کسر همسانی	۲/۰۴۶	۳	۰/۰۷۰
	همبستگی خطی	۶/۱۶۲	۱	۰/۰۱۳
	فراوانی موارد معتبر	۵۳۶		
زن	خی دو پیرسون	۳۷/۹۱۵	۳	۰/۰۰۰
	کسر همسانی	۳۸/۵۲۹	۳	۰/۰۰۰
	همبستگی خطی	۳۴/۳۸۶	۱	۰/۰۰۰
	فراوانی موارد معتبر	۶۳۰		

آزمون‌ها نشان می‌دهند که متغیر جنس در موافقت با مخالفت با این نوع از گذران اوقات فراغت تأثیری ندارد و آزمون خی دو نشان می‌دهد که در اینجا نیز متغیر تأهل در این اظهار نظرها مؤثر است (جدول ۸) در مجموع، ۲۰ درصد از مردان و ۲۳ درصد از زنان با این نحوه از گذران اوقات فراغت دختران موافق‌اند. (جدول ۹)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۹: توزیع نگرش دو جنس درباره آزادی عمل دختران در پرکردن اوقات فراغت (سفرهای خارج از شهر به تنهایی یا با دوستان)

جمع	جنس		فراوانی و درصد	واکنش به سفرهای خارج از شهر دختران
	زن	مرد		
۲۵۴	۱۴۶	۱۰۸	فراوانی	اشکال ندارد
%۱۰۰/۰	%۵۷/۵	%۴۲/۵	درصد در نوع واکنش	
%۲۱/۲	%۲۳/۱	%۲۰/۰	درصد در متغیر جنس	
۲۳۸	۱۳۶	۱۱۲	فراوانی	بی اشکال هم نیست
%۱۰۰/۰	%۵۲/۹	%۴۲/۱	درصد در نوع واکنش	
%۲۰/۳	%۱۹/۹	%۲۰/۸	درصد در متغیر جنس	
۲۴۵	۱۴۳	۱۰۲	فراوانی	محدود باشد بهتر است
%۱۰۰/۰	%۵۸/۴	%۴۱/۶	درصد در نوع واکنش	
%۲۰/۹	%۲۲/۶	%۱۸/۹	درصد در متغیر جنس	
۴۳۵	۲۱۸	۲۱۷	فراوانی	اشکال دارد
%۱۰۰/۰	%۵۰/۱	%۴۹/۹	درصد در نوع واکنش	
%۳۷/۱	%۳۴/۴	%۴۰/۳	درصد در متغیر جنس	
۱۱۷۲	۶۳۳	۵۲۹	فراوانی	جمع
%۱۰۰/۰	%۵۴/۰	%۴۶/۰	درصد در نوع واکنش	
%۱۰۰/۰	%۱۰۰/۰	%۱۰۰/۰	درصد در متغیر جنس	

در بین افرادی که با این نوع از گذران اوقات فراغت دختران موافقاند، ۱۵ درصد مرد مجرد و ۵ درصد مرد متأهل و ۱۵ درصد زن مجرد و ۸ درصد زن متأهل دیده می شود - این امر میزان پذیرش اجتماعی این نوع تفریحات را برای دختران به خوبی نشان می دهد. بدین ترتیب، به لحاظ نظری ادعای ما اثبات می شود؛ چرا که اگرچه زنان در حوزه های زیادی خواهان تغییرند، اما در ضمن با بسیاری از گداهای اجتماعی که خود نیز آنها را رعایت می کنند، آشنا و با مردان هم عقیده اند. به همین دلیل تغییر در ایران معاصر به معنای عصبان بر ضد ارزش های اجتماعی نیست و بسیاری از ارزش ها را زنان خود از طریق حفظ و بازتولیدشان ارج می گذارند و این کار را از طریق رابطه ترکیبی با ارزش های فرهنگی مردان به منصفه ظهور می رسانند.

حوزه دیگری از گذران اوقات فراغت برای دختران، شرکت در کلاس های موسیقی است که از نظر هنری به بازیگری سینمایی مرتبط است. جالب اینجاست که متغیر جنس در اظهار موافقت و یا مخالفت با این نوع گذران اوقات فراغت دختران تعیین کننده است؛ چرا که ۷۵ درصد از پاسخگویان با آن موافقت می کنند که در میان آنها ۵۷ درصد زن و ۴۳ درصد مرد دیده می شود (جدول ۱۰) و این به آن معناست که اگرچه مردان با این نحوه گذران اوقات فراغت دختران موافقت می کنند، اما نسبت به زنان با آن موافقت کمتری دارند.

جدول ۱۰: توزیع نگرش دو جنس درباره آزادی عمل دختران برای شرکت در کلاس های موسیقی

جمع	جنس		فراوانی و درصد	واکنش به شرکت دختران در کلاس های موسیقی
	زن	مرد		
۸۸۳	۵۰۱	۳۸۲	فراوانی	اشکال ندارد
۱۰۰٪	۷۵۶٪	۷۴۳٪	درصد در نوع واکنش	
۷۴٪	۷۷۸٪	۷۷۰٪	درصد در متغیر جنس	
۹۸	۳۸	۶۰	فراوانی	بی اشکال هم نیست
۱۰۰٪	۷۳۸٪	۷۶۱٪	درصد در نوع واکنش	
۷۸٪	۷۶۱٪	۷۱۱٪	درصد در متغیر جنس	
۱۱۵	۵۸	۵۷	فراوانی	نوع واکنش محدود باشد بهتر است
۱۰۰٪	۷۵۰٪	۷۴۹٪	درصد در نوع واکنش	
۷۹٪	۷۹٪	۷۱۰٪	درصد در متغیر جنس	
۸۳	۳۸	۴۵	فراوانی	اشکال دارد
۱۰۰٪	۷۴۵٪	۷۵۴٪	درصد در نوع واکنش	
۷۷٪	۷۶۱٪	۷۸٪	درصد در متغیر جنس	
۱۱۲۹	۶۳۵	۴۹۴	فراوانی	جمع
۱۰۰٪	۷۵۳٪	۷۴۶٪	درصد در نوع واکنش	
۱۰۰٪	۷۱۰٪	۷۱۰٪	درصد در متغیر جنس	

ثانیاً ۷۹ درصد از زنان و ۷۰ درصد از مردان با این نوع گذران اوقات فراغت دختران موافقت و تنها ۳۰ درصد از مردان و ۲۱ درصد از زنان به نوعی با آن مخالفت کرده اند. این نشان می دهد که مردان اندکی بیشتر از زنان در این زمینه محافظه کاری دارند و اندک اندک زمینه های هنری در زمره فعالیت های

زنان در خواهد آمد. از این رو، علاوه بر حوزه روشنفکری که قبلاً نشان دادیم، هنر نیز با مکانیسم‌های روابط ترکیبی و موافقت اجتماعی زنان و مردان، منبع تولید ارزش توسط زنان خواهد شد. حوزه هنری از نظر ویژگی‌های اجتماعی در مقابل شرکت در مهمانی‌های دوستانه قرار دارد که به یکی از سرگرمی‌های نسل جوان بدل شده است و بد نیست میزان پذیرش اجتماعی این نوع از سرگرمی نیز سنجیده شود. در اینجا باید توجه کرد که خانواده‌ها با آن دسته از شیوه‌های گذران اوقات فراغت که دختران را وارد فعالیت‌های اجتماعی می‌کند و موجب گسترش کنش‌های متقابل اجتماعی آنان می‌شود کمتر از فعالیت‌های فردی آنان موافق‌اند.

جدول ۱۱: توزیع نگرش‌های دو جنس نسبت به آزادی عمل دختران برای شرکت در مهمانی‌های دوستانه

جمع	جنس		فراوانی و درصد	واکنش به شرکت دختران در مهمانی‌های دوستانه	
	زن	مرد			
۵۱۸	۳۲۸	۱۹۰	فراوانی	اشکال ندارد	
%۱۰۰/۰	%۶۳/۳	%۳۶/۷	درصد در نوع واکنش	نوع واکنش	
%۴۴/۱	%۵۱/۷	%۳۵/۳	درصد در متغیر جنس		
۲۳۱	۱۰۴	۱۲۷	فراوانی		بی‌اشکال هم نیست
%۱۰۰/۰	%۴۵/۰	%۵۵/۰	درصد در نوع واکنش		
%۱۹/۷	%۱۶/۴	%۲۳/۶	درصد در متغیر جنس		
۲۵۱	۱۳۴	۱۱۷	فراوانی		محدود باشد بهتر است
%۱۰۰/۰	%۵۳/۴	%۴۶/۶	درصد در نوع واکنش		
%۲۱/۴	%۲۱/۱	%۲۱/۷	درصد در متغیر جنس		
۱۷۴	۶۹	۱۰۵	فراوانی		اشکال دارد
۱۰۰/۰	%۳۹/۷	%۶۰/۳	درصد در نوع واکنش		
%۱۴/۱۸	%۱۰/۹	%۱۹/۵	درصد در متغیر جنس		
۱۱۷۴	۶۳۵	۵۳۹	فراوانی	جمع	
%۱۰۰/۰	%۵۴/۱	%۴۵/۹	درصد در نوع واکنش		
%۱۰۰/۰	%۱۰۰/۰	%۱۰۰/۰	درصد در متغیر جنس		

آزمون‌ها در اینجا این مسئله را تأیید می‌کنند و نشان می‌دهند که متغیر جنس در این محدودسازی

مؤثر است؛ چرا که اولاً، ۴۴ درصد از کل یاسخگویان با مهمانی رفتن دختران موافقاند که ۶۳ درصد از آنها را زنان و ۳۷ درصد را مردان تشکیل می‌دهند. این امر را به گونه‌ای دیگر نیز می‌توان اثبات کرد و آن اینکه ۵۳ درصد از زنان و تنها ۲۵ درصد از مردان با مهمانی رفتن دختران موافق‌اند. نائید ۲۴ درصد از مردان و ۱۶ درصد از زنان معتقدند که مهمانی رفتن دختران بی‌اشکال نیست، ۲۳ درصد از مردان و ۲۱ درصد از زنان معتقدند محدود باشد بهتر است و ۲۰ درصد از مردان و تنها ۱۱ درصد از زنان می‌گویند اشکال دارد. (جدول ۱۱)

حاصل آنکه مردان و زنان ایرانی، فضاهای فردی نظیر فضاهای هنری را برای گذران اوقات فراغت دختران مناسب‌تر از فضاهای جمعی می‌دانند، اما دختران برای ورود به فضاهای جمعی تلاش می‌کنند ضمن آنکه از فضاهای فردی برای تثبیت موقعیت اجتماعی خود از طریق تولید ارزش و محصولات هنری استفاده می‌نمایند. در این معنا، می‌توان گفت تولیدات هنری زنان یکی از مجاری است که زنان از طریق آن برای ورود به اجتماع اقدام می‌کنند. در کنار فضاهای اجتماعی علمی که زنان آنها را به مثابه معبر دوم خود برای فعالیت‌های اجتماعی برگزیده‌اند، بدون اینکه وارد روابط تعارض‌آمیز با مردان شده باشند (عبداللهیان، ۱۳۸۳ الف) در ادامه به بررسی فضایی که جامعه ایران برای پسران مناسب تلقی می‌کند و این فضاها را برای گذران اوقات فراغت آنان بی‌اشکال می‌بیند، می‌پردازیم.

انعکاس درک تغییرات زمانه در تغییر نگرش‌ها نسبت به میزان آزادی عمل پسران

تغییرات درک زمانه بر با تعریف فضاهای اجتماعی پسران نیز اثر گذاشته است، اما آنچه بیش از همه برای این مسئله اهمیت دارد آن است که جامعه با رجوع به ارزش‌هایی بن باز تعریف را انجام می‌دهد که ریشه در تولید ارزش‌ها توسط زنان دارد. یکی از ویژگی‌هایی که انتقال از جامعه سنتی ایران به جامعه جدید را تحت تأثیر قرار داده، تغییر نیافتن درک و ذهنیت پسران از موقعیت اجتماعی جدیدشان است. به همین دلیل اگرچه حوزه‌های فعالیت شغلی و اقتصادی و همچنین مسئولیت‌های اجتماعی و خانوادگی آنها تغییر یافته یا محدود شده است، اما استفاده از فضاها و یا تغییر و محدودسازی از فضاها برای پسران و تبعیت از این تغییرات رخ نداده است. در چنین وضعیتی، پسران گماکان بدون حصرها و محدودیت‌های اجتماعی در فضاهای مختلف اجتماعی حضور پیدا می‌کنند و یکی از مشکلات خانواده‌های نروزی، ناتوانی در کنترل و اداره امور اخلاقی پسران است. برای فهم بهتر این مسئله به امار جداول زیر می‌پردازیم تا ببینیم جامعه ایران به خصوص جامعه شهری تهران کدام حوزه‌ها را برای فعالیت اجتماعی و گذران اوقات فراغت پسران تا چه درجه‌ای مناسب تلقی می‌کند.

ابتدا لازم است متذکر شویم که متغیرهای جنس و وضعیت تأهل بر اظهار نظر در مورد اینکه پسران برای گذراندن اوقات فراغت می‌توانند شب را بیرون از منزل با دوستان سپری کنند و حتی به خانه

برنگردند تأثیر دارد، اما متغیر نسل تأثیری ندارد - در این میان، متغیر جنس بیش از متغیر وضعیت تأهل بر این اظهار نظرها تأثیر دارد. آزمون کرامرز V نشان می‌دهد که شدت همبستگی با تأثیر متغیر جنس بر اظهار نظر در این باره ۰/۳ از یک است که نسبتاً بالا محسوب می‌شود و ما در اینجا سعی می‌کنیم آن را معنا نماییم. آزمون لامبدا نشان می‌دهد که اگر اظهار نظر فرد را درباره میزان آزادی پسران در این باره بدانیم در ۲۳ درصد از موارد می‌توانیم جنس او را نیز به درستی پیشگویی کنیم.

جدول ۱۲: واکنش دو جنس نسبت به نحوه گذران اوقات فراغت پسران (شب را در بیرون از منزل با دوستان سپری کند و به خانه برنگردد)

جمع	جنس		فراوانی و درصد	واکنش به شب را در خارج از منزل گذراندن	نوع واکنش
	زن	مرد			
۱۶۱	۴۸	۱۱۳	فراوانی	اشکال ندارد	نوع واکنش
%۱۰۰/۰	%۲۹/۸	%۷۰/۲	درصد در نوع واکنش		
%۱۳/۶	%۷/۵	%۲۰/۷	درصد در متغیر جنس		
۱۸۹	۸۰	۱۰۹	فراوانی	بی‌اشکال هم نیست	
%۱۰۰/۰	%۴۲/۳	%۵۷/۷	درصد در نوع واکنش		
%۱۶/۰	%۱۲/۶	%۲۰/۰	درصد در متغیر جنس		
۱۲۴	۴۷	۷۷	فراوانی	محدود باشد بهتر است	
%۱۰۰/۰	%۳۷/۹	%۶۲/۱	درصد در نوع واکنش		
%۱۰/۵	%۷/۴	%۱۴/۱	درصد در متغیر جنس		
۷۰۸	۴۶۱	۲۴۷	فراوانی	اشکال دارد	
%۱۰۰/۰	%۶۵/۱	%۳۴/۹	درصد در نوع واکنش		
%۵۹/۹	%۷۲/۵	%۴۵/۲	درصد در متغیر جنس		
۱۱۸۲	۶۳۶	۵۴۶	فراوانی	جمع	
%۱۰۰/۰	%۵۳/۸	%۴۶/۲	درصد در نوع واکنش		
%۱۰۰/۰	%۱۰۰/۰	%۱۰۰/۰	درصد در متغیر جنس		

این تأثیر را می‌توان با آمار بهتر نشان داد. به عنوان مثال، در حالی که تنها ۱۴ درصد از مردم با این نحوه از گذران اوقات فراغت پسران موافق‌اند که از آن میان، ۷۰ درصد مرد و ۳۰ درصد زن‌اند. به

عبارت دیگر، ۲۱ درصد از مردان و تنها ۸ درصد از زنان می‌گویند شب‌زنده‌داری برای پسران بدون اشکال است. در مقابل، ۶۰ درصد از مردم با این نوع شب‌زنده‌داری‌های پسران مخالفند که از آن میان ۶۵ درصد زن و ۳۵ درصد مردند. البته با احتساب دو گزینه «محدود باشد بهتر است» و «هی اشکال هم نیست» مخالفت با این رفتار به ۸۶ درصد می‌رسد. (جدول ۱۲)

از سوی دیگر، زنان و مردان متأهل نیز نگرشی کاملاً متفاوت در این باره دارند؛ چنان که ۷۴ درصد از زنان متأهل و ۵۶ درصد از مردان متأهل با این نوع شب‌زنده‌داری پسران مخالفند. علاوه بر آن که، ۷۱ درصد از دختران مجرد و ۴۰ درصد از پسران با این نوع شب‌زنده‌داری‌ها مخالفت نشان می‌دهند که با احتساب دو گزینه «محدود باشد بهتر است» و «هی اشکال هم نیست»، مخالفان متأهل مرد به ۹۰ درصد، مخالفان متأهل زن به ۹۳ درصد، مخالفان مجرد مرد به ۷۴ درصد و مخالفان مجرد زن به ۹۲ درصد خواهد رسید. (جدول ۱۳)

بدین ترتیب، در میان مجردین، متغیر جنس تأثیر نسبتاً قوی‌تری (۰/۳۲۳ از یک) بر اظهار نظر در این باره دارد تا در میان متأهلان (۰/۱۹۵ از یک) به طوری که در میان مجردان با دستنظر اظهار نظر فرد می‌توان در ۲۳ درصد از موارد جنس فرد را به درستی پیشگویی کرد در حالی که این درصد در میان متأهلان ۲ درصد است.

جدول ۱۲: توزیع نگرش‌های دو جنس نسبت به شب زنده‌داری پسران به تفکیک مجرد و تاهل

جنس	جنس		فراوانی و درصد	نوعه گذران اوقات فراغت توسط پسران و نوع واکنش	وضعیت تاهل
	زن	مرد			
۲۹	۲۲	۱۷	فراوانی	اشکال ندارد	واکنش متأهلین
٪۱۰۰/۰	٪۵۶/۳	٪۴۳/۶	درصد در نوع نگرش		
٪۷/۹	٪۶/۸	٪۹/۸	درصد در متغیر جنس		
۷۳	۴۱	۳۲	فراوانی	هی اشکال هم نیست	
٪۱۰۰/۰	٪۵۶/۳	٪۴۳/۸	درصد در نوع نگرش		
٪۱۴/۷	٪۱۲/۷	٪۱۸/۵	درصد در متغیر جنس		
۴۸	۳۱	۲۷	فراوانی	محدود باشد بهتر است	
٪۱۰۰/۰	٪۴۳/۸	٪۵۶/۳	درصد در نوع نگرش		
٪۹/۷	٪۶/۵	٪۱۵/۶	درصد در متغیر جنس		
۳۳۶	۲۳۹	۹۷	فراوانی	اشکال دارد	
٪۱۰۰/۰	٪۷۱/۱	٪۲۸/۹	درصد در نوع نگرش		
٪۶۷/۳	٪۷۴/۰	٪۵۶/۱	درصد در متغیر جنس		

۴۹۶	۳۲۳	۱۷۳	فراوانی	جمع	واکنش مجردان	نوع واکنش
%۱۰۰/۱۰	%۶۵/۱۱	%۳۴/۹	درصد در نوع نگرش			
%۱۰۰/۱۰	%۱۰۰/۱۰	%۱۰۰/۱۰	درصد در متغیر جنس			
۱۱۹	۲۴	۹۵	فراوانی	اشکال ندارد		
%۱۰۰/۱۰	%۲۰/۱۲	%۷۹/۱۸	درصد در نوع نگرش			
%۱۷/۱۵	%۷/۷	%۲۵/۷	درصد در متغیر جنس			
۱۱۶	۳۹	۷۷	فراوانی	بی اشکال هم نیست		
%۱۰۰/۱۰	%۳۳/۱۶	%۶۶/۴	درصد در نوع نگرش			
%۱۷/۱۱	%۱۲/۱۶	%۲۰/۱۸	درصد در متغیر جنس			
۷۵	۲۶	۴۹	فراوانی	محدود باشد بهتر است		
%۱۰۰/۱۰	%۳۴/۱۷	%۶۵/۱۲	درصد در نوع نگرش			
%۱۱/۱۰	%۸/۴	%۱۳/۱۲	درصد در متغیر جنس			
۲۷۰	۲۲۱	۱۴۹	فراوانی	اشکال دارد		
%۱۰۰/۱۰	%۵۹/۱۷	%۴۰/۱۳	درصد در نوع نگرش			
%۵۴/۴	%۷۱/۳	%۴۰/۱۳	درصد در متغیر جنس			
۶۸۰	۳۱۰	۳۷۰	فراوانی	جمع		
%۱۰۰/۱۰	%۴۵/۱۶	%۵۴/۴	درصد در نوع نگرش			
%۱۰۰/۱۰	%۱۰۰/۱۰	%۱۰۰/۱۰	درصد در متغیر جنس			

نتیجه آنکه همان طوری که جدول نشان می‌دهد می‌توان به لحاظ نظری پذیرفت که زنان مجرد و مادران با مخالفت خود با این نوع شب زنده‌داری‌های پسران سعی دارند ارتباط مادران با پسران خویش و ارتباط پسران خویش در حلقه‌های دوستی‌شان را کنترل کنند و فضاهایی را که به طور سنتی در اختیار پسران و پدران بوده است، محدود سازند. ارتباط میان این دو متغیر تا حدی است که تاکنون در این مطالعه نظیر آن دیده نشده است و باید نسبت به آن توجه لازم را مبذول داشت؛ چرا که بسیاری از این دختران و پسران با چنین نظام‌های ارزشی در باره یکدیگر پیوند زناشویی می‌بندند و از آنجا که ابزار ضروری برای کنترل فضاهای پسران وجود ندارد، اغلب روابط به مناقشات خانوادگی و طلاق می‌انجامد. همین نگرانی‌ها در میان خانواده‌ها و میان والدین و پسران و به خصوص مادران و پسران وجود دارد که تنش‌های روانی را افزایش می‌دهد. در ادامه، میزان پذیرش

زنان، مادران و دختران در مورد دخالت اعضای مذکر خانواده در امورشان بررسی می‌شود.

گویه «پسران مجازند در امور تصمیم‌گیری خانواده دخالت کرده و مانع انجام برخی از کارها توسط مادر و خواهرانشان شوند» در اختیار پاسخگویان قرار داده شد تا میزان پذیرش چنین اختیاری برای پسران از سوی دختران و مادران سنجیده شود. گفتمنی است که آزمون‌خی‌دو نشان می‌دهد متغیر جنس در اظهار نظر در این باره تأثیر دارد و کرامرز ۷ شدت همبستگی میان این دو متغیر را ۰/۲۲۵ از ۱ تفسیر می‌کند و لامبدا می‌گوید اگر اظهار نظر فرد را بدانیم در ۱۲ درصد از موارد می‌توانیم جنس او را نیز به درستی پیشگویی کنیم.

جدول ۱۴: نگرش‌های دو جنس نسبت به آزادی عمل پسران که در امور تصمیم‌گیری خانواده دخالت می‌کنند و مانع انجام برخی از کارها توسط مادر و خواهرشان شوند

جمع	جنس		فراوانی و درصد	واکنش به دخالت پسران در امور اعضای مؤنث خانواده	نوع واکنش
	زن	مرد			
۱۹۰	۶۷	۱۲۳	فراوانی	اشکال ندارد	
%۱۰۰/۰	%۳۵/۳	%۶۴/۷	درصد در دخالت		
%۱۶/۲	%۱۰/۶	%۲۲/۷	درصد در متغیر جنس		
۲۲۳	۱۰۴	۱۱۹	فراوانی	بی‌اشکال هم نیست	
%۱۰۰/۰	%۴۶/۶	%۵۲/۴	درصد در دخالت		
%۱۹/۰	%۱۶/۴	%۲۲/۰	درصد در متغیر جنس		
۲۵۴	۱۳۰	۱۲۴	فراوانی	محدود باشد بهتر است	
%۱۰۰/۰	%۵۱/۲	%۴۸/۸	درصد در دخالت		
%۲۱/۶	%۲۰/۵	%۲۲/۸	درصد در متغیر جنس		
۵۰۷	۳۳۲	۱۷۵	فراوانی	اشکال دارد	
%۱۰۰/۰	%۶۵/۵	%۳۴/۵	درصد در دخالت		
%۲۲/۲	%۵۲/۴	%۳۲/۸	درصد در متغیر جنس		
۱۱۷۴	۶۳۳	۵۴۱	فراوانی	جمع	
%۱۰۰/۰	%۵۳/۹	%۴۶/۱	درصد در دخالت		
%۱۰۰/۰	%۱۰۰/۰	%۱۰۰/۰	درصد در متغیر جنس		

ابتدا باید گفت که جای بسی تأمل است که چرا متغیر جنس در واکنش به شب‌زنده‌داری پسران بیشتر از واکنش به دخالت پسران در امور مادران و خواهرانشان تأثیر دارد. توجیه نظری آن در این پدیده نهفته است که اولاً، حضور پسران در خانواده بر غیبت آنان ترجیح داده می‌شود؛ ثانیاً، دختران و مادران از طریق مکانیسم کنش متقابل می‌توانند در روابط ترکیبی شیوه‌های فرهنگی، ارزش‌های اجتماعی خود را به پسران منتقل کنند تا آن‌کنترل‌کننده که در بحث قبل به آن اشاره شد محقق گردد. بدین ترتیب، بخشی از علل پذیرش دخالت پسران در امور مادران و خواهرانشان به ضرورتی برمی‌گردد که در کنترل از طریق کنش متقابل رخ می‌دهد - البته این مکانیسم برای پسران نیز ضرورت دارد تا از آن طریق بتوانند قدرت خود را در خانواده بازتولید کنند و بدین جهت هر دو جنس در این مکانیسم سود و زیان‌هایی را به لحاظ توزیع قدرت و تمرین آن متحمل شوند. آنچه برای ما اهمیت دارد، رأی زنان بر ادامه حضور پسران و مخالفت آنان با شب‌زنده‌داری‌های پسران است، ولو آنکه به زیان آنها در کسب قدرت و کنترل بیشتر تمام شود. با توجه به آنچه در فصول گذشته گفتیم، هم اکنون دختران و زنان در فرآیند تمرین قدرت قرار دارند و حضور پسران یکی از ملزومات این تمرین است.

نکته دیگر آنکه، ۵۲ درصد از دختران و زنان و ۳۲ درصد از پسران این دخالت را نمی‌پسندند و اگرچه در مقایسه با فقدان حضور پسران در خانواده، زنان و دختران بیشتری به دخالت پسران در امورشان ولو محدود راضی‌اند، اما اکثریت دختران و زنان و یک سوم از مردان و پسران با دخالت پسران در امور دختران و مادران مخالف‌اند. البته با احتساب دو گزینه «محدود باشد بهتر است» و «بی‌اشکال هم نیست» می‌توان گفت ۸۹ درصد دختران و زنان و ۷۷ درصد از پسران به نوعی با این دخالت مخالف‌اند. (جدول ۱۴) به عبارت دیگر، همان‌طور که قبلاً نشان داده شده، روی دیگر این مکانیسم آن است که بخشی از دختران و پسران هم‌اکنون نیز به مکانیسم روابط ترکیبی پیوسته‌اند و تعامل و اغماض را بر دخالت و محدود کردن یکدیگر پذیرفته‌اند. بنابراین تفسیر، جامعه ایران به خصوص در تهران چندگونگی تحولات را در پیوستن یا نپیوستن به و یا درک افراد از مکانیسم روابط ترکیبی شیوه‌های فرهنگی از خویش نشان می‌دهد و نظریه تقابل سنتی و مدرن بودن ایران معاصر از پرداختن به این چندگونگی قاصر است.

حوزه دیگری که فضاهای فعالیت پسران را در آن می‌توان مطالعه کرد، عبارت از واکنش به گویه «پسران می‌توانند خارج از محدوده ازدواج با دختران رابطه دوستانه داشته باشند»، است. اول آنکه متغیر جنس در اینجانب بر اظهار نظر افراد تأثیر می‌گذارد. نکته دیگر آن که در میان افراد متأهل، جنس فرد بر اظهار نظر او درباره ارتباط با دختران تأثیر ندارد - در عین حال، ۵۴ درصد از افراد متأهل (۳۴ درصد از مجردان) می‌گویند رابطه پسران با دختران اشکال دارد و بقیه یا می‌گویند اشکال ندارد (۱۵ درصد از متأهلین و ۲۹ درصد از مجردان) یا می‌گویند «محدود باشد بهتر است» و «بی‌اشکال هم نیست».

جدول ۱۵: واکنش دو جنس نسبت به روابط پسران با دختران خارج از محدوده ازدواج

جمع	جنس		فراوانی و درصد	واکنش به روابط پسران با دختران خارج از محدوده ازدواج
	زن	مرد		
۲۷۱	۱۲۰	۱۵۱	فراوانی	اشکال ندارد
%۱۰۰/۰	%۴۴/۳	%۵۵/۷	درصد در نوع واکنش	
%۲۳/۰	%۱۸/۹	%۲۷/۸	درصد در متغیر جنس	
۱۷۹	۸۴	۹۵	فراوانی	بی اشکال هم نیست
%۱۰۰/۰	%۴۶/۱۹	%۵۳/۱	درصد در نوع واکنش	
%۱۵/۲	%۱۳/۲	%۱۷/۵	درصد در متغیر جنس	
۲۳۸	۱۲۵	۱۰۳	فراوانی	محدود باشد بهتر است
%۱۰۰/۰	%۵۳/۱۸	%۴۵/۲	درصد در نوع واکنش	
%۱۹/۴	%۱۹/۷	%۱۸/۹	درصد در متغیر جنس	
۵۰۰	۳۰۵	۱۹۵	فراوانی	اشکال دارد
%۱۰۰/۰	%۶۱/۰	%۳۹/۰	درصد در نوع واکنش	
%۴۲/۴	%۴۸/۱	%۳۵/۸	درصد در متغیر جنس	
۱۱۷۸	۶۳۴	۵۴۴	فراوانی	جمع
%۱۰۰/۰	%۵۳/۱۸	%۴۶/۲	درصد در نوع واکنش	
%۱۰۰/۰	%۱۰۰/۰	%۱۰۰/۰	درصد در متغیر جنس	

صرف نظر از وضعیت تأهل، ۲۳ درصد از افراد معتقدند ارتباط پسران و دختران اشکالی ندارد که ۵۶ درصدشان مرد و پسر و ۴۴ درصدشان زن و دختر می باشند (جدول ۱۵) از سوی دیگر، ۲۲ درصد از افراد معتقدند اشکال دارد، ۱۵ درصد می گویند بی اشکال نیست و ۱۹ درصد هم می گویند محدود باشد بهتر است. در مجموع، ۲۸ درصد از مردان و ۱۹ درصد از زنان با این گویه موافقت و می توان چنین نتیجه گیری کرد که میزان پذیرش این نوع ارتباط در مقایسه با میزان مخالفت با آن بالا نیست؛ اما باید اذعان داشت که ما این گویه را در ظرف فعالیت های گذران اوقات فراغت پسران مطرح کردیم و این به خوبی نشان می دهد که رابطه با دختران از ظرف سنتی خود بیرون آمده و به وسیله ای برای تفریح و گذران اوقات فراغت تبدیل شده است. اگر به آمار بالا توجه کنیم، می بینیم که نوعی پذیرش اجتماعی حتی در میان خانواده ها برای آن پیدا شده است که به باز تولید ارزشی آن کمک می کند. این مسئله در درون روابط فرهنگی

و ارزشی نسل‌های جدید وارد شده است.

از لحاظ عرف و هنجارهای جامعه ایران، مسئله از این حادثه، پذیرش مشروب‌خواری پسران است که باید به آن نیز اشاره شود تا فرآیندی که در بین فصل در خصوص شکل‌گیری نظام‌های ارزشی جدید توضیح داده شد، مشخص‌تر گردد. باید گفت که متغیر جنس در اظهار نظر درباره مشروب‌خواری پسران نیز تأثیر دارد و قوت همبستگی میان دو متغیر ۰/۲ از ۱ است که به نسبت همبستگی بالایی است و لامبد هم نشان می‌دهد که اگر اظهار نظر افراد را بدانیم، در ۱۴ درصد از موارد می‌توانیم جنس او را پیشگویی کنیم. با این دانسته می‌توانیم تشخیص دهیم کدام جنس بیشتر با این مسئله موافق و کدام یک بیشتر مخالف است.

جدول ۱۶: واکنش دو جنس نسبت به استفاده پسران از مشروبات الکلی و یا استعمال دخانیات

جمع	جنس		فراوانی و درصد	نوع واکنش به استفاده پسران از مشروبات الکلی
	زن	مرد		
۸۵	۲۶	۵۹	فراوانی	اشکال ندارد
%۱۰۰/۰	%۳۰/۱۶	%۶۹/۴	درصد در نوع واکنش	
%۷/۲	%۴/۱	%۱۰/۱۹	درصد در متغیر جنس	
۸۸	۳۶	۵۲	فراوانی	بی‌اشکال هم نیست
%۱۰۰/۰	%۴۰/۱۹	%۵۹/۱	درصد در نوع واکنش	
%۷/۱۵	%۵/۷	%۱/۶	درصد در متغیر جنس	
۹۷	۳۶	۶۱	فراوانی	محدود باشد بهتر است
%۱۰۰/۰	%۳۷/۱	%۶۲/۹	درصد در نوع واکنش	
%۸/۲	%۵/۷	%۱۱/۲	درصد در متغیر جنس	
۹۰۷	۵۳۶	۳۷۱	فراوانی	اشکال دارد
%۱۰۰/۰	%۵۹/۱	%۴۰/۱۹	درصد در نوع واکنش	
%۷۷/۱	%۸۴/۵	%۶۸/۳	درصد در متغیر جنس	
۱۱۷۷	۶۳۴	۵۴۳	فراوانی	جمع
%۱۰۰/۰	%۵۳/۹	%۴۶/۱	درصد در نوع واکنش	
%۱۰۰/۰	%۱۰۰/۰	%۱۰۰/۰	درصد در متغیر جنس	

در مجموع ۷۷ درصد افراد معتقدند مشروب‌خواری پسران اشکال دارد؛ تنها ۷ درصد می‌گویند اشکال ندارد. (جدول ۱۶) در میان افرادی که با این مسئله مخفانند، ۸۵ درصد زن و ۶۸ درصد مرد دیده می‌شود. البته با احتساب دو گزینه «محدود باشد بهتر است» و «هی اشکال هم نیست» مخالفت با این رفتار به ۹۳ درصد می‌رسد در هیچ موردی تا این میزان مخالفت دیده نمی‌شود و چنین به نظر می‌آید که مشروب‌خواری پسران در جامعه ایران حتی از روابط میان دختران و پسران مطروحاتر تلقی شده و ناهنجار به حساب می‌آید این می‌تواند به این معنا باشد که گرفتاری در این پدیده نه تنها کنترل خانواده‌ها را مختل می‌کند بلکه کنترل زنان را بر اعضای خانواده کاهش می‌دهد؛ از این نظر مخالفت شدیدتری با این مسئله به خصوص در میان زنان وجود دارد تا مخالفت با مسئله ارتباط پسران با دختران. در ابتدای بحث مسئله مهمانی‌های شبانه را مورد ارزیابی قرار دادیم و چنین به نظر می‌آید که در مقایسه با مشروب‌خواری و گرفتاری در مصرف دخایات، آنجا که مصرف مواد غیر متعارف در این نوع از مهمانی‌ها بیش می‌آید، خانواده‌ها با شدت زیادی با آن مخالفت می‌کنند.

نتیجه‌گیری: تغییر جهت شکل‌گیری‌های اجتماعی و گسترش روابط ترکیبی

در ابتدای مقاله اشاره شد که روابط ترکیبی را می‌توان از طریق دو نشانه شناخت: (۱) تغییر شکل‌گیری‌های اجتماعی بر مبنای متغیر جنس و متغیر جولی جمعیت ایران (۲) گسترش روابط ترکیبی بر مبنای رفتار اغماض - محور و مقبولیت جمعی رفتارهای متفاوت در جامعه. از یک طرفه بحث‌های مقاله نشان می‌دهد که تغییر جهت نیروهای اجتماعی جدید در ایران با تغییر مکانیسم تعریف «خود» و هویت تحقق یافته و افزایش مسئولیت‌های جدید دختران و کاهش مسئولیت‌های سنتی آنان شکلی عینی یافته است. از طرف دیگر، همین بحث‌ها نشان می‌دهد که دختران و زنان در درک مسئولیت‌های پسران و بازتعریف آن فعالانه دخالت دارند با این همه، این مقام گویای آن نیز هست که مردان در راه اغماض نسبت به مسئولیت‌های جدید دختران گام برمی‌دارند، اگرچه بخشی از مردان با این مسئولیت موثقت کامل ندارند.

همچنین، در مورد حل مسئله بی‌قاعدگی روابط اجتماعی در خانواده جدید ایرانی برای سامان بخشیدن به روابط دوستی جوانان و کنترل نحوه گذران اوقات فراغت به این نتیجه رسیدیم که اولاً، خانواده ایرانی بیش از پیش مشورتی عمل می‌کند؛ ثانیاً، مادران و دختران بیش از گذشته در تعریف گداهای اخلاقی دخالت دارند. زنان خود نیز این گداهای اخلاقی را از تفاوت‌های زیست شناختی اجتماعی خود و نیز از آموزه‌های دینی‌شان به دست می‌آورند.

از این جهت به نظر می‌رسد فراهم آوردن زمینه‌های اجتماعی برای تعالیات معالمان زنان نه تنها اخلاق خانوادگی را قاعده‌مند می‌کند، بلکه روابط اجتماعی در بیرون از خانواده را نیز بیشتر تحت قواعد اخلاقی خود در می‌آورد.

پی‌نوشت

۱- این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «مطالعه شکاف بین ایده‌آل‌های دو جنس؛ روابط ترکیبی شیوه‌های فرهنگی در میان دو جنس در شهر تهران» است که با اعتبارات پژوهشی معاونت پژوهشی دانشگاه تهران انجام شده است.

۲- باید توجه داشت که دو مفهوم ۱- عناصر غیر ملموس و ۲- عناصر ملموس به لحاظ روش‌شناسی اهمیت فراوانی دارند به خصوص از این نظر که عناصر ملموس، خاصیت مشاهده‌پذیری دارند. در این معنا، عناصر فرهنگی که توسط افراد حمل می‌شوند و انتقال می‌یابند، در اینجا **factual** یا مشاهده‌پذیر در نظر گرفته شده‌اند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۲) «تجربه جهانی و گسست فرهنگی - اجتماعی در ایران». مجموعه مقالات گسست نسل‌ها.
۲. روزنامه ایران (۱۳۸۳) ۱۹ شهریور، شماره ۳۹۰۷. «یادمان بیست و سومین سال درگذشت ژاک لاکان: زبان به مثابه امر نمادین» برگرفته از پایگاه روزنامه ایران: <http://www.iran-newspaper.com/1383/830619/html/think.htm>
۳. عبداللهیان، حمید (۱۳۸۳ الف) «نسل‌ها و دیدگاه‌های خاص مربوط به جنسیت: اندازه‌گیری آگاهی از تضاد در دیدگاه‌های مربوط به جنسیت». فصلنامه مطبوعات زنان، پاییز ۱۳۸۲، جلد ۲، شماره ۳.
۴. عبداللهیان، حمید (۱۳۸۲ ب) «گزارش تحقیق پیرامون مطالعه شکاف بین ایده‌آل‌های دو جنس در ایران با تکیه بر شهر تهران». معاونت پژوهشی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
۵. عبداللهیان، حمید (۱۳۷۸) «روابط ترکیبی شیوه‌های فرهنگی: روش شناخت جامعه نو». نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۳.
۶. گیدنز، انتوی (۱۳۷۶) «جامعه‌شناسی». منوچهر صبوری کاشانی، تهران: نشر نی
- 7- Lamerf, Charles (ed.) (19۹9) *Social Theory; The Multicultural and Classic Readings*. Oxford: Westview Press
- 8- Lenski, Gerhard, Lenski, Jean & Nolan, Patrick (1994) *Human Societies; An Introduction to Macrosociology*. New York: McGraw-Hill Inc.
- 9- Lerner, Daniel (1958) *The Passing of Traditional Society*. New York: The Free Press
- 10- Mannheim, Karl (1972) "The problem of Generations". *Essays on the Sociology of Knowledge*. London: Routledge & Kegan Paul Ltd. Fifth impression.